



## بررسی دیدگاه ابن تیمیه درباره سب صحابه

سید حسین کاظمی\*

### چکیده

با توجه به آیات قرآن و منابع شیعه و اهل سنت، صحابه رسول خدا ﷺ جایگاه ویژه- ای را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو کوچک‌ترین بی‌احترامی نسبت به آنها مورد نکوهش می‌باشد. برخی از عالمان مسلمان، سب صحابه را سب کفر دانسته‌اند. ابن تیمیه، عالم حنبلی مذهب و اندیشمند تأثیرگذار سلفی، تقسیمی را در این باره ارائه کرده و در برخی از اقسام آن به کفر سب صحابه اعتقاد دارد. در نوشتار حاضر، سخنان و ادله وی بررسی شده و چندین اشکال بر او مطرح و اثبات شده که سخنان و دلائل ابن تیمیه با روایات و سیره نبوی ﷺ و عملکرد صحابه، همخوانی ندارد. در نتیجه، اصل سب، آن هم سب صحابه رسول خدا ﷺ مورد نکوهش آموزه‌های اسلامی است؛ اما به هیچ وجه، سب جواز تکفیر سب‌کننده نمی‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** ابن تیمیه، تکفیر، سب صحابه.

## مقدمه

عده‌ای تندرو و متعصب در برخی کشورهای اسلامی فعالیت دارند که به گروهک‌های تکفیری شناخته می‌شوند. اینان چنان شتابان به تکفیر دیگر مسلمانان روی آورده‌اند که با کوچک‌ترین ناهماهنگی عقیدتی که از سایر مسلمان‌ها مشاهده می‌کنند به کفر آنان حکم می‌دهند. در نتیجه، حرمتی برای جان، مال و حتی ناموس تکفیر شده، باقی نمی‌گذارند. یکی از مباحث اختلافی اُمت اسلامی که سبب شتاب‌زدگی در تکفیر شده، دشنام‌دادن و سب کردن صحابه گرامی رسول خدا ﷺ است.

ابن تیمیه حُرّانی (۷۲۸-۶۶۱ ق) تأثیرگذار فکری و عقیدتی گروه‌های سلفی تکفیری و الگوی رفتاری آنان به مسئله سب صحابه و حکم سب پرداخته است. او به صورت مطلق تکفیر نمی‌کند، بلکه تقسیمی را درباره سب صحابه ارائه می‌کند و در برخی از اقسام آن به کفر سب، حکم می‌دهد. نوشتار حاضر به بررسی دیدگاه تفصیلی ابن تیمیه درباره سب صحابه پرداخته است.

فایده مهم این پژوهش این است که اولاً: دیدگاه گروه‌های سلفی تکفیری مورد بررسی قرار می‌گیرد که چه مقدار با نظرات ابن تیمیه انطباق دارد؟ ثانیاً: عبارات و سخنان ابن تیمیه نیز بررسی می‌شود که آیا با آموزه‌های اسلامی مطابقت دارد یا با آیات قرآن، روایات و سیره نبوی ﷺ زندگانی صحابه و عبارات عالمان و حدیث‌شناسان بزرگ اهل- سنت ناهماهنگ و غیرمنطبق است؟

در برخی منابع، حکم سب صحابه مورد بررسی قرار گرفته است. ضیاء‌الدین مقدسی کتاب النہی عن سب الأوصحاب را برای بررسی همین موضوع نوشته است. در کتاب الموسوعة الفقهیة، ذیل عنوان «سب الصحابة» به این بحث پرداخته شده است.<sup>۱</sup> عبدالرحیم عباس آبادی در بخشی از کتاب پژوهشی سزا در بایدها و نبایدهای ناسزا، به تبیین مسئله سب صحابه پرداخته است.<sup>۲</sup> علی اصغر رضوانی نیز در کتاب تکفیر از دیدگاه

۱. کویت، وزارت أوقاف، الموسوعة الفقهیة، ج ۲۴، ص ۱۴۰.

۲. عباس آبادی، عبدالرحیم، پژوهشی سزا در بایدها و نبایدهای ناسزا، ص ۱۸۰-۱۱۷.

علمای اسلام، مسئله حکم سب صحابه را مورد بررسی قرار داده<sup>۱</sup> و به صورت خلاصه به بررسی قسمتی از دیدگاه ابن تیمیه پرداخته است.<sup>۲</sup> اما نویسنده این نوشتار به مقاله یا کتابی برخورد نکرد که مستقلاً به بررسی دیدگاه ابن تیمیه در این باره پرداخته باشد. پژوهش پیش رو، اولین نوشته‌ای است که فقط به بررسی دیدگاه و مستندات ابن تیمیه درباره سب صحابه پرداخته است.

## مفهوم‌شناسی

برای تبیین بهتر مطالب این نوشتار، سه واژه تکفیر، سب و صحابه معنا می‌شوند.

### الف: تکفیر

تکفیر؛ مصدر باب تفعیل است. با توجه به عبارات علمای لغت همچون: ابن فارس و ابن منظور، «کَفَرَ» به معنای پنهان کردن و پوشاندن می‌باشد<sup>۳</sup> و معنای تکفیر، نسبت کفر به کسی دادن است.<sup>۴</sup>

کفر در اصطلاح، انکار مطالبی است که پیامبر ﷺ حتماً آن را آورده است.<sup>۵</sup> به بیان دیگر، کفر در اصطلاح شرعی، نقطه مقابل ایمان است؛ یعنی انکار تمامی یا برخی از ارکان و متعلقات ایمان. (ایمان به خدا، فرشتگان، کتب آسمانی، نبوت پیامبران الهی ﷺ و پیامبر خاتم ﷺ معاد، قضاء و قدر و...) <sup>۶</sup>

### ب: سب

در عبارات اهل لغت، سب به معنای سخن زشت و دشنام‌دادن است.<sup>۷</sup> البته برخی

۱. رضوانی، علی اصغر، تکفیر از دیدگاه علمای اسلام، ص ۴۱۲-۳۸۰.

۲. همان، ص ۴۰۲-۴۰۱.

۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۹۱، واژه «کفر»؛ ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۵، ص ۱۴۶، واژه «کفر».

۴. ابن منظور، محمد، همان.

۵. فاضل مقداد، إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين، ص ۴۳۷؛ ایچی، میر سید شریف، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۳۲-۳۳۱.

۶. عباس آبادی، عبدالرحیم، پژوهشی سزا در بایدها و نبایدهای ناسزا، ص ۹۹.

۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۶۳، واژه «سب».

همچون: راغب اصفهانی، سب را به سخن زشتِ دردآور معنا کرده،<sup>۱</sup> سپس همین معنا را در آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛<sup>۲</sup> به کار می‌برد.<sup>۳</sup>

### ج: صحابه

صحابه، جمع «صاحب» است. معنای لغوی آن هم‌نشینی، رفاقت، همراهی و معاشرت می‌باشد.<sup>۴</sup> در اصطلاح، تعاریف متعددی برای آن ذکر شده است که طبق نقل ابن حجر عسقلانی صحیح‌ترین تعریف چنین می‌باشد: «صحابی کسی است که در زمان زندگانی پیامبر ﷺ آن حضرت را ملاقات کرده و اسلام آورده و با همان اسلامش از دنیا رفته باشد».<sup>۵</sup>

### دیدگاه ابن تیمیه درباره سب صحابه

ابن تیمیه در پایان کتاب الصارم المسلول علی شاتم الرسول ﷺ فصلی را با عنوان «حکم من سبَّ أحدًا من الصحابة» ذکر کرده است. در آن فصل به طور مفصل درباره حکم سب صحابه سخن گفته است. ایشان اقوال علما را درباره حکم سب‌کننده صحابه مطرح می‌کند. سپس با استناد به آیات قرآن و روایات متعدد، حرمت سب صحابه را اثبات می‌نماید. در ادامه، ادله و مستندات قائلین به تکفیر و وجوب قتل سب صحابه را مورد بررسی قرار داده است. در پایان، دیدگاه خودش را درباره سب اصحاب پیامبر ﷺ ذکر می‌کند. ابن تیمیه سب‌کننده صحابه را به سه قسم تقسیم کرده و برای هر یک از آنها حکمی را بیان کرده که به این شرح می‌باشد:

۱. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۹۱، واژه «سب».
۲. «به معبود کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مباد آنها (نیز) از روی جهل، خدا را دشنام دهند!». (انعام، ۱۰۸).
۳. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۹۱، واژه «سب».
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۳۵، واژه «صحاب»: ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۱، ص ۵۱۹، واژه «صحاب».
۵. «الأصح ما قيل في تعريف الصحابي انه من لقي النبي صلى الله عليه وسلم في حياته مسلما و مات على اسلامه». (ابن حجر عسقلانی، احمد، الإصابة فی تمييز الصحابة، ج ۱، ص ۸).

## قسم اول: سب غیر قادیح در عدالت و دین صحابه

به اعتقاد ابن تیمیه، سب و سرزنشی که به عدالت و دین صحابه لطمه و ضرری نرساند، موجب کفر نمی‌شود، بلکه در این صورت، سب فقط مورد تأدیب و تعزیر قرار می‌گیرد. مثل اینکه آنان را به بُخل، ترس، دانش اندک و زُهدناشتن، توصیف کند. وی معتقد است سخن عالمانی که به عدم تکفیر سب صحابه قائل اند بر این قسم حمل می‌شود.<sup>۱</sup>

## قسم دوم: لعن و تقیح مطلق نسبت به صحابه

ابن تیمیه در تبیین این قسم می‌گوید: علما درباره حکم کسی که به صورت مطلق، صحابه را لعن و از آنان بدگویی می‌کند، اختلاف نظر دارند؛ زیرا معلوم نیست که چنین سائی با چه انگیزه‌ای لعن و بدگویی از صحابه کرده است. سب، یا در اعتقادش به صحابه مشکلی ندارد و فقط از روی ناراحتی و غضب آنان را لعن کرده است یا لعن او از روی اعتقاد تقیحی نسبت به صحابه می‌باشد.<sup>۲</sup>

ابن تیمیه در بیان حکم دو صورت این قسم تصریحی ندارد؛ اما از ظاهر عبارتش چنین استفاده می‌شود که اگر سب، فقط از روی غضب به صحابه دشنام داد و لعن کرد، تکفیر نمی‌شود؛ اما اگر اعتقاد داشت که صحابه، مستحق لعن و سب می‌باشند، چنین کسی محکوم به کفر است.

## قسم سوم: نسبت ارتداد و فسق به عموم صحابه

ابن تیمیه می‌گوید: اگر کسی سب صحابه را جایز بداند و به ارتداد و فسق عموم آنها معتقد باشد، بدون شک چنین کسی کافر است؛ زیرا وی، نص صریح قرآن را تکذیب نموده است، چون در آیات متعدد از صحابه تجلیل شده و خداوند از آنها راضی است. لازمه سخن چنین سب‌کننده‌ای این است که ناقلان کتاب و سنت، کفار و فساق هستند و

۱. «أما من سبهم سباً لا يقدح في عدالتهم ولا في دينهم - مثل وصف بعضهم بالبخل أو الجبن أو قلة العلم أو عدم الزهد و نحو ذلك - فهذا هو الذي يستحق التأديب و التعزير و لا تحكم بكفره بمجرد ذلك؛ و على هذا يحمل كلام من لم يكفرهم من أهل العلم». (ابن تیمیه حرانی، احمد، الصارم المسلول علی شاتم الرسول ﷺ، ص ۴۳۴).

۲. «أما من لعن و قبح مطلقاً فهذا محل الخلاف فيهم؛ لتردد الأمر بين لعن الغيظ و لعن الإعتقاد». (ابن تیمیه حرانی، احمد، الصارم المسلول علی شاتم الرسول ﷺ، ص ۴۳۴).

صحابه‌ای که خَیر القرون و برترین مسلمانان امت اسلامی‌اند، بدترین مسلمان‌ها می‌باشند. حال آنکه خداوند متعال در قرآن کریم با عبارت «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»<sup>۱</sup> امت اسلامی را بهترین امت معرفی کرده است و پیامبر ﷺ صحابه را خَیر القرون نامیده است.<sup>۲</sup>

### اشکالات دیدگاه و مستندات ابن تیمیه درباره سب صحابه

ابن تیمیه به صورت مطلق سب صحابه را تکفیر نمی‌کند و تفصیلی در این باره ارائه کرده است؛ اما هم دیدگاه و هم مستندات وی، قابل خدشه و دارای اشکال می‌باشد. برخی از آنها به این شرح است:

#### اشکال اول: تکفیر، مخالف روایات و سیره نبوی ﷺ

با مراجعه به منابع حدیثی اهل سنت مشاهده می‌شود که اولاً: در تمام روایاتی که از پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره مسئله سب صحابه ذکر شده است، آن حضرت عمدتاً با صیغه نهی یا با لعنت فرستادن، در صدد ممانعت از سب کردن صحابه برآمده‌اند و در هیچ یک از آنها حتی اشاره‌ای به تکفیر سب‌کننده نشده است. ثانیاً: سیره رسول خدا ﷺ نیز در مواجهه با این مسئله، تکفیر نبوده است؛ زیرا با توجه به برخی روایات، سب صحابه در حضور پیامبر ﷺ هم صورت گرفته است و رسول خدا ﷺ اصلاً سب‌کننده را تکفیر نفرمودند، بلکه فقط نهی کردند.

روایات نبوی ﷺ در نهی از سب صحابه با اینکه در بسیاری از کتب روایی اهل سنت آمده است، ولی خیلی اندک می‌باشد! مهم‌ترین آنها سه روایتی است که در ادامه می‌آید.

۱. آل عمران، ۱۱۰.

۲. «أما من جاز ذلك إلى أن زعم أنهم إرتدوا بعد رسول الله عليه الصلاة والسلام إلا نفرأ قليلاً لا يبلغون بضعة عشر نفساً، أو أنهم فسقوا عامتهم؛ فهذا لا ريب أيضاً في كفره، لأنه مكذب لما نصه القرآن في غير موضع: من الرضى عنهم و التناء عليهم، ... فإن مضمون هذه المقالة أن نقلة الكتاب و السنة كفار أو فساق و أن هذه الآية التي هي (كنتم خير أمة أخرجت للناس). (آل عمران، ۱۱۰) و خیرها هو القرن الأول، كان عامتهم كفاراً أو فساقاً و مضمونها أن هذه الأمة شرّ الأمم و أن سابقی هذه الأمة هم شرارها و كُفر هذا مما يعلم بالإضطرار من دين الإسلام». (ابن تیمیه حرانی، احمد، الصارم المسلول علی شاتم الرسول ﷺ، ص ۴۳۴).

### روایت اول: روایت ابوسعید خدری از پیامبر ﷺ

اعمش از ابی صالح از ابوسعید خدری نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمودند: «صحابه من را سب نکنید؛ زیرا مقام بلندی دارند که اگر یکی از شما، به اندازه کوه اُحُد طلا انفاق کند، باز هم به مقدار آنان و حتی نیمی از آن نیز نمی‌رسد».<sup>۱</sup>

### روایت دوم: روایت عطاء از رسول خدا ﷺ

در تعدادی از منابع حدیثی اهل سنت، روایتی با عبارات مختلف از راویانی همچون: عطاء، عبدالله بن عمر، ابن عباس و عایشه نقل شده که پیامبر گرامی اسلام ﷺ سب‌کننده صحابه را لعنت فرموده‌اند.<sup>۲</sup> برای مثال، محمد بن خالد از عطاء از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: «لعنت خدا بر کسی که اصحاب من را سب نماید».<sup>۳</sup>

### روایت سوم: روایت عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ

نافع از عبدالله بن عمر از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: «وقتی کسانی را دیدید که صحابه مرا سب می‌کنند در پاسخ به آنها بگویید: لعنت خدا بر بدان شما باد».<sup>۴</sup> با توجه به روایات مذکور که در منابع متعدد حدیثی اهل سنت، ذکر شده است و ابن تیمیه نیز آنها را در کتاب الصارم المسلول ذکر می‌کند، این نتیجه به دست می‌آید که در این روایات، نه تصریحی به کفر سب صحابه شده است و نه آن روایات در تکفیر، ظهور دارد. حتی اشاره‌ای به مسئله تکفیر نشده است، بلکه فقط از دشنام‌دادن به اصحاب پیامبر ﷺ زهی شده است و سب صحابه مورد نکوهش قرار گرفته است.

۱. «لاتسبوا أصحابي فان أخطكم لو أنفق مثل أخط ذهباً ما بلغ مدّ أخدم ولا نصيفه». (احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳: مسند ابی سعید خدری، ص ۱۱؛ بخاری، محمد، صحیح البخاری، کتاب ۶۲، کتاب فضائل أصحاب النبی ﷺ، باب ۵، ص ۶۴۵، ج ۳۶۷۳؛ ابی داود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۰۴، ج ۴۶۵۸؛ ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله، المصنّف، ج ۷، ص ۵۴۸، ج ۱؛ قشیری نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ص ۹۸۶، ج ۲۵۴۱).
۲. نک: هیشمی، علی، مجمع الزوائد، ج ۱۰، ص ۲۱؛ متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۵۳۱ - ۵۳۰، ج ۳۲۴۷۷ - ۳۲۴۷۴.
۳. «من سب أصحابي فعليه لعنة الله». (ابن ابی شیبہ کوفی، عبدالله، المصنّف، ج ۷، ص ۵۵۰، ج ۱۶؛ ابن ابی عاصم عمرو، کتاب السنة، ص ۴۶۹، ج ۱۰۰۱).
۴. «إذا رأيتم الذين يسبون أصحابي فقولوا لعنة الله على شركم». (ترمذی، محمد، سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۵۹، ج ۳۹۵۸؛ متقی هندی، علی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۵۳۲، ج ۳۲۴۸۴).

## اشکال دوم: تحریم، بدون تکفیر، برداشت حدیث‌شناسان اهل سنت از روایات نهی از سب صحابه

نکته قابل توجه این است که عالمان حدیث‌شناس اهل سنت نیز که روایات مذکور را نقل می‌کنند به هیچ وجه برداشت تکفیر نکرده‌اند، بلکه آنها هم فقط نهی را استفاده کرده‌اند. از این رو عناوین ابوابی که در بردارنده احادیث مذکور می‌باشد یا به صورت مطلق آمده است یا با عباراتی همچون: نهی، زجر، کف و تحریم بیان شده است. برخی از کتب و عناوین ابوابشان در این رابطه، به ترتیب سال وفات مؤلفان آنها به این شرح است:

۱. المصنّف (ابن ابی شیبۀ)، کتاب ۳۱ (کتاب الفضائل)، باب ۵۶ (ما ذکر فی الکفّ عن أصحاب النبی ﷺ).<sup>۱</sup>

ابن ابی شیبۀ کوفی (۲۳۵ ق) در باب مذکور، هفده روایت می‌آورد که در بیان فضائل صحابه است. چهار روایت آن (روایت یکم، دوازدهم، پانزدهم و شانزدهم) درباره نکوهش و نهی از سب و دشنام دادن به صحابه می‌باشد. از میان این چهار روایت، فقط دو روایت (یکم و شانزدهم) از رسول خدا ﷺ می‌باشد. در همه چهار روایت، اصلاً سخنی از تکفیر سب‌کننده، مطرح نشده است.

۲. سنن ابی داود، کتاب ۳۵ (کتاب السنّة)، باب ۱۱ (باب فی النهی عن سب أصحاب رسول الله ﷺ).<sup>۲</sup>

ابی داود سجستانی (۲۵۷ ق)، ذیل باب مذکور دو روایت در نکوهش سب صحابه می‌آورد. ایشان نیز از این روایات، نهی را استفاده کرده است نه تکفیر را. در عنوان باب هم به عبارت «النهی عن سب أصحاب رسول الله ﷺ» تصریح می‌کند. نکته قابل توجه اینکه عظیم‌آبادی در عون المعبود که شرح سنن ابی داود است ذیل حدیث نبوی ﷺ که فرمودند: «لا تسبوا أصحابی» می‌گوید:

با توجه به اینکه دشنام و سب خالد نسبت به عبدالرحمن، سب این نهی پیامبر ﷺ می‌باشد، نتیجه این می‌شود که مراد از «اصحابی»، اصحاب

۱. ابن ابی شیبۀ کوفی، عبدالله، المصنّف، ج ۷، ص ۵۵۰-۵۴۸.

۲. ابی داود سجستانی، سلیمان، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۴۰۴، ح ۴۶۵۸-۴۶۵۹.



مخصوص آن حضرت هستند. همان‌هایی که سابقین در اسلام هستند و از مخاطبین، زودتر اسلام آورده‌اند.<sup>۱</sup>

۳. صحیح مسلم، کتاب ۴۴ (کتاب فضائل الصحابة)، باب ۵۴ (باب تحریم سب الصحابة).<sup>۲</sup>

مسلم بن حجّاج نیشابوری (۲۶۱ ق) در این باب، سه روایت می‌آورد که پیامبر ﷺ با عبارت «لَا تُسَبُّوا أَصْحَابِي» از سب و دشنام‌دادن به صحابه نهی فرموده‌اند. قشیری نیشابوری از این روایات، تحریم را استفاده کرده است و در عنوان باب نیز صراحتاً تحریم را ذکر می‌کند نه تکفیر را.

نکته قابل توجه این است که در یکی از این روایات، سب صحابه در حضور پیامبر ﷺ انجام شد و آن حضرت فقط آنان را از سب کردن نسبت به صحابه، نهی کردند و اصلاً حکم به کفر سب‌کننده ندادند. متن روایت که فرازی از آن در اشکال اول مطرح شد، این‌گونه است:

میان خالد بن ولید و عبدالرحمن بن عوف چیزی (مشاجرهای) رُخ داد. خالد، عبدالرحمن را دشنام داده و سب کرد. سپس رسول خدا ﷺ فرمودند: هیچ یک از اصحاب من را سب نکنید؛ زیرا (مقام بلندی دارند که) اگر یکی از شما، به اندازه کوه اُحد طلا انفاق کند، باز هم به مقدار آنان و حتی نیمی از آن نیز نمی‌رسد.<sup>۳</sup>

۴. سنن الترمذی، أبواب المناقب، باب فی من سب أصحاب النبی ﷺ.<sup>۴</sup>

ترمذی (۲۷۹ ق)، ذیل عنوان یادشده، هفت روایت می‌آورد که سه روایت آن (روایت ۳۹۵۲، ۳۹۵۳ و ۳۹۵۸) مربوط به نکوهش سب صحابه پیامبر ﷺ و نهی از آن است. هر سه حدیث نیز از رسول خدا ﷺ می‌باشد. ترمذی عنوان باب را به صورت مطلق آورده است و هیچ سخنی از تحریم یا تکفیر ندارد.

۱. عظیم‌آبادی، محمد، عون المعبود، ج ۱۲، ص ۲۶۹.

۲. قشیری نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ص ۹۸۶-۹۸۵.

۳. «عن ابی سعید قال: کان بین خالد بن الولید و بین عبدالرحمن بن عوف شیء فسبه خالد، فقال رسول الله صلی الله علیه و سلم: لا تُسَبُّوا أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِي فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَوْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا أَدْرَكَ مَا أَدْرَكَ مَدَّ أَحَدِهِمْ وَ لَا نَصِيقَهُ». (قشیری نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، کتاب ۴۴، کتاب فضائل الصحابة، باب ۵۴، باب تحریم سب الصحابة، ص ۹۸۶، ح (۲۵۴۱).

۴. ترمذی، محمد، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۳۵۹-۳۵۷، ح ۳۹۵۲-۳۹۵۸.

نکته قابل توجه این است که مبارکفوری در تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، علاوه بر اینکه از روایات نهی از سب صحابه، تکفیر را برداشت نکرده است، همانند عظیم‌آبادی در عون‌المعبود صراحتاً بیان می‌کند که مخاطب «لاتسبوا أصحابی»، خود صحابه هستند؛ زیرا سبب بیان حدیث این بوده که میان خالد بن ولید و عبدالرحمن بن عوف مشاجره‌ای اتفاق افتاد و خالد به عبدالرحمن دشنام داد. مراد از «اصحابی»، صحابه مخصوص پیامبر ﷺ است که سابقین در اسلام می‌باشند و نسبت به مخاطبین در این حدیث، زودتر اسلام آورده‌اند.<sup>۱</sup>

۵. السنن الکبری (نسائی)، کتاب ۷۶ (کتاب المناقب، مناقب اصحاب رسول الله ﷺ من المهاجرین و الأنصار و النساء)، باب ۶۰ (مناقب اصحاب النبی ﷺ و النهی عن سبهم).<sup>۲</sup>

نسائی (۳۰۳ ق) در باب مذکور، ابتدا سه آیه از قرآن در فضیلت و منقبت صحابه رسول خدا ﷺ می‌آورد. سپس دو روایت از پیامبر گرامی اسلام ﷺ ذکر می‌کند که آن حضرت با عبارت «لاتسبوا أصحابی» از سب و دشنام به اصحاب خویش نهی فرموده‌اند. نسائی نیز از این دو روایت، نهی از سب را استفاده کرده است و در عنوان باب هم، صراحتاً «النهی عن سبهم» را ذکر می‌کند. ایشان نیز هیچ سخن و حتی اشاره‌ای از تکفیر ندارد! نسائی کتاب مستقلی با عنوان فضائل الصحابة نیز تألیف کرده است. در این کتاب دقیقاً عنوان باب و آیات فضائل صحابه و روایات پیامبر ﷺ در نهی از سب صحابه، همانند کتاب السنن الکبری می‌باشد.<sup>۳</sup>

۶. صحیح ابن حبان، کتاب ۶۱ (کتاب اخباره ﷺ عن مناقب الصحابة رجالهم و نسائهم بذكر أسمائهم أجمعين)، ذیل باب فضل الصحابة و التابعین، «ذكر الزجر عن سب أصحاب رسول الله ﷺ الذي أمر الله بالاستغفار لهم».<sup>۴</sup>

۱. مبارکفوری، محمد، تحفة الأحوذی، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۵.

۲. نسائی، احمد، السنن الکبری، ج ۵، ص ۸۴، ج ۸۳۰۹-۸۳۰۸.

۳. نسائی، احمد، فضائل الصحابة، ص ۶۲-۶۱.

۴. ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، ج ۱۶، ص ۲۴۲.

ابن حبان (۳۵۴ ق) ذیل عنوان ذکرشده، فقط یک روایت نقل می‌کند که پیامبر ﷺ با عبارت «لا تسبوا أصحابی» از سب و دشنام به صحابه نهی فرموده‌اند. ایشان نیز از این روایت، نهی را استفاده کرده است نه تکفیر را و عنوان باب را با عبارت «ذکر الزجر عن سب اصحاب رسول الله ﷺ» می‌آورد.

### اشکال سوم: تکفیر، مخالف شیوه صحابه در باره سب صحابه

با توجه به منابع فراوان اهل سنت به موارد متعددی برخورد می‌شود که برخی از صحابه رسول گرامی اسلام ﷺ در نزاع‌ها و درگیری‌هایی که با هم داشتند، گاهی زبان به شتم و سب یکدیگر می‌گشودند، ولی با این حال در هیچ‌یک از این موارد، مستندی وجود ندارد که صحابه‌ای، سب‌کننده را محکوم به کفر کرده باشد. برخی از این موارد به این شرح است:

#### ۱. سب‌شدن عبدالرحمن بن عوف توسط خالد بن ولید

همان‌طور که در روایات مذکور بیان شد در روایتی که مسلم بن حجاج نیشابوری نقل کرده بود، میان خالد بن ولید و عبدالرحمن بن عوف مشاجره‌ای رخ داد که خالد، عبدالرحمن را سب کرد،<sup>۱</sup> ولی به هیچ وجه عبدالرحمن، خالد را به دلیل انجام چنین رفتاری تکفیر نکرد.

#### ۲. سب‌شدن عثمان بن عفان توسط برخی صحابیات

ابن اعثم کوفی در بیان جریان محاصره‌شدن خانه خلیفه سوم، حدیث و تلاش برخی صحابیات رسول خدا ﷺ را نقل می‌کند که مردم را بر کشتن عثمان تحریک نموده و از ایشان با تعبیر «نعتل» یاد کرده و چنین می‌گفت: «ای مردم! این پیراهن رسول خدا ﷺ است که کهنه نشده است؛ اما سنت آن حضرت (به سبب رفتار عثمان) کهنه شده است. بکشید نعتل را. خدا او را بکشد».<sup>۲</sup>

در کتب لغت علاوه بر بیان معنای «نعتل»، نسبت‌دادن این واژگان به عثمان هم ذکر

۱. قشیری نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، کتاب ۴۴ (کتاب فضائل الصحابة)، باب ۵۴ (باب تحریم سب الصحابة)، ح ۹۸۶، ص ۲۵۴۱.

۲. ابن اعثم کوفی، أحمد، الفتوح، ج ۲، ص ۴۲۱.

شده است. خلیل بن احمد فراهیدی «نعتل» را به معنای پیرمرد احمق ترجمه کرده است. او سپس می‌گوید: «برخی مردم درباره عثمان گفتند: نعتل را بکشید».<sup>۱</sup>

اسماعیل بن حماد جوهری «نعتل» را نام مرد طویل‌اللیحیه‌ای می‌داند سپس می‌گوید: «هنگام سرزنش و عیب‌جویی از عثمان او را به آن مرد تشبیه کرده‌اند».<sup>۲</sup>

ابن منظور نیز «نعتل» را به معنای پیرمرد احمق معنا می‌کند، سپس نام مرد طویل‌اللیحیه‌ای می‌داند که اهل مصر است. در ادامه می‌گوید: «دشمنان عثمان به سبب تشبیه او به آن مرد مصری، وی را نعتل می‌نامیدند».<sup>۳</sup> با اینکه چنین دشنامی به خلیفه سوم داده شده؛ اما در هیچ منبعی نیامده است که عثمان بن عفان یا صحابه دیگر رسول خدا ﷺ آن صحابیات را به دلیل چنین سبّی تکفیر کرده باشند.

### ۳. سب شدن سعد بن عبادۀ توسط عمر بن الخطاب

در منابع متعدد حدیثی و رجالی اهل سنت که قضیه خلافت ابی‌بکر و مسئله نزاع مهاجرین و انصار در سقیفه بنی‌ساعده مطرح شده است، به این سخن عمر بن الخطاب نیز پرداخته شده که ایشان درباره سعد بن عبادۀ که رئیس و بزرگ انصار بود هم نفرین کرد و گفت: «خدا سعد را بکشد»<sup>۴</sup> و هم او را صاحب فتنه و شرارت معرفی کرده است. حتی در برخی نقل‌ها نسبت نفاق به سعد بن عبادۀ داده شده است.

ابن حبان از زبان خلیفه دوم عمر بن خطاب می‌نویسد: «عمر می‌گوید: درحالی که عصبانی بودم گفتم: خدا سعد را بکشد؛ زیرا او صاحب فتنه و شرارت است».<sup>۵</sup>

ابن ابی‌الحدید نیز نسبت نفاقی را که عمر بن خطاب به سعد داده بود، نقل کرده و می‌نویسد: «سعد را بکشید، خدا سعد را بکشد. او را بکشید که منافق شده است».<sup>۶</sup>

۱. فراهیدی، خلیل، العین، ج ۲، ص ۳۴۱، واژه «نعتل».

۲. جوهری، إسماعیل، الصحاح، ج ۵، ص ۱۸۳۲، واژه «نعتل».

۳. ابن‌منظور، محمد، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۷۰ - ۶۶۹، واژه «نعتل».

۴. احمد بن حنبل، مسند أحمد، ج ۱، ص ۵۶؛ مسند عمر بن الخطاب؛ جوهری، احمد، السقیفة و فدک، ص ۶۶؛ صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، ج ۵، ص ۴۴۴، ذیل حدیث ۹۷۵۸.

۵. ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۱۵۷.

۶. ابن ابی‌الحدید، ابوحامد، شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۲۱.

با اینکه چنین سب و دشنامی را عَمَر بن خطاب به سَعْد بن عباد داده است؛ اما در هیچ روایت یا نقل تاریخی نیامده که سعد بن عباد یا دیگر صحابه پیامبر ﷺ عمر بن خطاب را به سب چنین دشنامی، تکفیر کرده باشند.

#### ۴. سب کردن ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود نسبت به یکدیگر

با توجه به منابع رجالی اهل سنت، ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود جزء صحابی بزرگ و جلیل القدر پیامبر گرامی اسلام ﷺ هستند.<sup>۱</sup> ابن ابی الحدید می نویسد: «گاهی این دو صحابه رسول خدا ﷺ در مشاجرات و نزاع‌هایی که میان خود داشتند، دشنام‌های رکیکی همچون، حرام‌زادگی به یکدیگر می دادند و می گفتند: «تو از پدر خویش نیستی! (حرام‌زاده‌ای)».<sup>۲</sup> در عین حال در هیچ نقلی نیامده است که وجود چنین دشنام‌هایی سب تکفیر شدن آنان از سوی صحابه یا سایر مسلمانان شده باشد.

#### اشکال چهارم: لازمه تکفیر سب صحابه، اهانت به خود صحابه

ابن تیمیه که سب و سرزنش مُخَلِّ به عدالت و دین صحابه را موجب کفر می‌داند،<sup>۳</sup> چگونه رفتار صحابه رسول خدا ﷺ را توجیه می‌کند؟! آیا با نسبت نعتل که برخی از صحابیات پیامبر ﷺ به خلیفه سوم داد و او را پیرمردی احمق معرفی کرد،<sup>۴</sup> به عدالت و دیانت عثمان بن عفان لطمه‌ای نمی‌زند؟! آیا نسبت نفاق و صاحب فتنه و شرارتی را که عمر بن خطاب به سعد بن عباد داد،<sup>۵</sup> تدبیر و عادل بودن سعد را مورد خدشه قرار نمی‌دهد؟! آیا نسبت حرام‌زادگی که میان ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود رد و بدل می‌شد،<sup>۶</sup> به دیانت و عدالت این دو ضربه‌ای وارد نمی‌کرد؟! آیا می‌توان این سب‌کنندگان را تکفیر نمود؟! با توجه به این نکته که مبارک‌فوری می‌گوید: «مخاطب «لاتسبوا» خود صحابه هستند و

۱. ذهبی، محمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۳۹۰ - ۳۸۹، شرح حال ابی بن کعب و شرح حال عبدالله بن مسعود، ص ۴۶۱.

۲. ابن ابی الحدید، ابوحامد، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۴.

۳. ابن تیمیه حرانی، احمد، الصارم المسلول علی شاتم الرسول ﷺ، ص ۴۳۴.

۴. ابن اعثم کوفی، احمد، الفتوح، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۶۷۰ - ۶۶۹، واژه «نعتل».

۵. ابن حبان، محمد، صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۱۵۷؛ ابن ابی الحدید، ابوحامد، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۱.

۶. ابن ابی الحدید، ابوحامد، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۴.

سبب بیان این حدیث درباره خود آنان بوده است.»<sup>۱</sup> آیا می‌توان پذیرفت که سب صحابه موجب کفر شود؟! آیا لازمه تکفیر، کافردانستن خود صحابه و در نتیجه اهانت به آنان نمی‌باشد؟!

### اشکال پنجم: عدم ارتباط میان سب صحابه و انکار قرآن و سنت

ابن تیمیه، سب صحابه را به سه قسم تقسیم کرد:

۱. سب غیر قاذح در عدالت و دین صحابه؛

۲. لعن و تقبیح مطلق نسبت به صحابه؛

۳. نسبت ارتداد و فسق به عموم صحابه.<sup>۲</sup>

در بیان حکم قسم سوم چنین گفت که بدون شک چنین کسی کافر است؛ زیرا تکذیب صریح قرآن می‌باشد که صراحتاً از صحابه تجلیل کرده است.

اشکال پنجم به سخنان ابن تیمیه این است که **اولاً**: ابن تیمیه قسم سوم را پیش فرض گرفته است و صحیح نمی‌باشد؛ زیرا واقعیت خارجی ندارد؛ چون هیچ یک از فرق اسلامی چنین اعتقادی به عموم صحابه ندارند. بر همه مسلمانان آشکار و روشن است که عده زیادی از صحابه جلیل‌القدر پیامبر ﷺ رشادت‌ها به خرج دادند و در راه اسلام، سختی‌ها و شکنجه‌های طاقت‌فرسایی را تحمل کردند تا آیات قرآن و احادیث نبوی ﷺ را نگهداری کرده و به نسل‌های بعدی انتقال دهند. حتی تعداد زیادی از آنان برای دفاع از اسلام و رسول خدا ﷺ به شهادت رسیدند.

**ثانیاً**: نکته دیگر ابن تیمیه نیز که فکر می‌کرد لازمه سب چنین شخصی، تکذیب قرآن و نسبت کفر و فسق به ناقلان کتاب و سنت است؛<sup>۳</sup> صحیح نمی‌باشد زیرا **اولاً**: با اینکه سب، مورد نکوهش قرآن و روایات است و پیامبر اسلام ﷺ از آن نهی فرموده‌اند؛ اما مقصود سب‌کننده، به هیچ وجه استخفاف به مقام صحابه و تعرض به ساحت پیامبر ﷺ و تکذیب قرآن نیست، بلکه علت سب، نارضایتی از عملکرد برخی از صحابه است، نه توهین به

۱. مبارکفوری، محمد، تحفة الأخوذی بشرح جامع الترمذی، ج ۱۰، ص ۲۴۶-۲۴۵.

۲. ابن تیمیه، احمد، الصارم المسلول علی شاتم الرسول ﷺ، ص ۴۳۴.

۳. همان، ص ۴۳۴.

جایگاه صحابی بودن و لازمه سبّ چنین فردی، اصلاً توهین و استخفاف و تعرض به مقام صحابه و پیامبر ﷺ نیست. **ثانیاً:** اگر کسی صحابه رسول خدا ﷺ را به سبب صحابی بودن و توهین به پیامبر گرامی اسلام ﷺ مورد سبّ و دشنام قرار داد، بعید نیست که تکفیر شود؛ اما در هیچ یک از فرق اسلامی نمی توان چنین موردی پیدا کرد که سب-کننده صحابه، قصدش توهین به مقام شامخ صحابه یا رسول خدا ﷺ بوده باشد.

### نتیجه گیری

سبّ صحابه رسول گرامی اسلام ﷺ، مورد نهی و نکوهش قرآن و روایات نبوی ﷺ است و حرام می باشد و زینده یک مسلمان نیست که به اصحاب آن حضرت دشنام دهد؛ اما با این حال، صرف سب و دشنام دادن به صحابه، سبب کُفر نمی باشد؛ زیرا در آیات قرآن، روایات و سیره نبوی ﷺ، زندگانی صحابه آن حضرت و عبارات علمای اهل سنت، شواهد و قرائن روشنی وجود دارد که فقط تحریم سب استفاده شده است نه تکفیر سب و دشنام دهند. از این رو سخنان و مستندات ابن تیمیه نیز درباره تکفیر سب صحابه صحیح نیست زیرا؛

**اولاً:** در روایات و سیره نبوی ﷺ سب صحابه تکفیر نشده است. با اینکه برخی موارد سب در حضور خود آن حضرت انجام شده بود و ایشان فقط نهی فرمودند و اصلاً حکم به کفر سب نفرمودند.

**ثانیاً:** در سیره و روش صحابه پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز مشاهده می شود که برخی افراد، آنان را دشنام و سب می کردند؛ اما به هیچ وجه از ناحیه سب شده و حتی بقیه صحابه تکفیر نشدند.

**ثالثاً:** سب کننده صحابه با اینکه مرتکب کار حرامی می شود؛ اما قصدش توهین و جسارت به مقام صحابی بودن یا تعرض و بی ادبی به مقام شامخ پیامبر اسلام ﷺ یا تکذیب قرآن و روایات نمی باشد، بلکه انگیزه و علت سبّ وی، نارضایتی از عملکرد ناپسند برخی صحابه می باشد که سبب بدبینی به بعضی از آنان شده است.

## منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن ابي الحديد معتزلى، ابو حامد، شرح نهج البلاغه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار احياء الكتب العربية، چاپ اول، ١٣٧٨ق.
٣. ابن ابي شيبه كوفى، عبدالله، مصنف ابن ابي شيبه في الأحاديث والآثار، تحقيق: سعيد اللحام، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٤. ابن ابي عاصم ضحّاك، عمرو، كتاب السنة، تحقيق: محمد ناصرالدين البانى، بيروت: المكتب الإسلامى، چاپ سوم، ١٤١٣ق.
٥. ابن اثير شيبانى، على، الكامل فى التاريخ، بيروت: دار صادر، ١٣٨٦ق.
٦. ابن اعثم كوفى، احمد، الفتوح، تحقيق: على شيرى، بيروت: دارالأضواء، چاپ اول، ١٤١١ق.
٧. ابن تيميه حرانى، احمد، الإيمان، تحقيق: محمد ناصرالدين الألبانى، بيروت: المكتب الإسلامى، چاپ پنجم، ١٤١٦ق.
٨. ابن تيميه حرانى، احمد، الصارم المسلول على شاتم الرسول ﷺ، تحقيق: محمد بن رياض الأحمد، بيروت: المكتبة العصرية، چاپ اول، ١٤٢٧ق.
٩. ابن حبان تيمى سجستانى، محمد، صحيح ابن حبان بترتيب ابن بلبان، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ دوم، ١٤١٤ق.
١٠. ابن حجر عسقلانى، احمد، الإصابة فى تمييز الصحابة، تحقيق: عادل أحمد عبدالموجود؛ علي محمد معوض، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
١١. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مكتبة الإعلام الإسلامى، ١٤٠٤ق.
١٢. ابن منظور، محمد، لسان العرب، قم: ادب الحوزة، ١٤٠٥ق.
١٣. احمد بن حنبل، مسند الإمام أحمد بن حنبل و بهامشه منتخب كنز العمال فى سنن- الأقوال والأفعال، بيروت: دار صادر، بى تا.
١٤. ايجى، عضدالدين، المواقف، تحقيق: عبدالرحمن عميرة، بيروت: دارالجيل، چاپ اول، ١٤١٧ق.
١٥. ايجى، مير سيد شريف، شرح المواقف، تصحيح: بدرالدين نعسانى، افسست قم، شريف رضى، چاپ اول، ١٣٢٥ق.
١٦. بخارى، محمد، صحيح البخارى، تحقيق: عزّالدين ضلّى، عماد الطيار؛ ياسر حسن، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
١٧. ترمذى، محمد، سنن ترمذى (الجامع الصحيح)، تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت:



- دار الفكر، ۱۴۰۳ق، چاپ دوم.
۱۸. جوهری، احمد، **السقيفة وفدك**، تحقيق: محمدهادي أميني، بيروت: شركة الكتبي، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۹. جوهری، إسماعيل، **الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)**، تحقيق: أحمد عبدالغفور العطار، بيروت: دار العلم للملايين، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۰. الدويش، احمد، **فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء**، رياض: دارالعاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۲۱. ذهبي، شمس الدين محمد، **سير أعلام النبلاء**، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وحسين الأسد، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسين، **مفردات ألفاظ القرآن**، تحقيق: صفوان عدنان داوودي، بيروت: دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۳. رضوانی، علی اصغر (به سفارش: کنگره جهانی جریان های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام)، **تکفير از دیدگاه علمای اسلام**، قم: دارالإعلام لمدرسة أهل البيت عليه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۲۴. سبکی، تقی الدین، **فتاوی السبکی**، بيروت: دارالمعرفة، بی تا.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۲۶. صنعانی، عبدالرزاق، **المصنّف**، تحقيق: حبيب الرحمن أعظمی، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۷. طبری، محمد، **جامع البيان عن تأويل آي القرآن**، بيروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۸. العاملی، سید جعفر، **مختصر مفید (أسئلة و أجوبة فی الدين و العقيدة)**، بيروت: المركز الإسلامي للدراسات، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۹. عباس آبادی عبدالرحیم، **پژوهشی سزا در بایدها و نبایدهای ناسزا**، قم: گلستان معرفت، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۳۰. عظیم آبادی، محمد، **عون المعبود شرح سنن أبي داود**، بيروت: دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۱. فاضل مقداد، **إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين**، تحقيق: سید مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.
۳۲. فراهیدی، خلیل، **کتاب العین**، تحقيق: مهدی مخزومی؛ ابراهیم سامرائی، قم: دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

۳۳. قشیری نیشابوری، مسلم، **صحیح مسلم**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ پنجم، ۲۰۰۸م.
۳۴. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام (به کوشش فرمانیان مهدی)، **مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام**، قم: دارالإعلام لمدرسة أهل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۳۵. کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام (به کوشش مهدی فرمانیان)، **چکیده مقالات کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام**، قم: دارالإعلام لمدرسة أهل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۳۶. الكويت، وزارت الأوقاف والشئون الإسلامية، **الموسوعة الفقهية**، کویت: وزارت اوقاف وشئون اسلامی، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
۳۷. مبارکفوری، محمد، **تحفة الأحمدي بشرح جامع الترمذي**، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۳۸. متقی هندی، علی، **کنز العمال فی السنن الأقوال والأفعال**، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۳۹. مشعی، عبدالمجید، **منهج ابن تیمیة فی مسألة التکفیر**، ریاض: دار أضواء السلف، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴۰. المقیدسی، ضیاء‌الدین محمد، **النهی عن سبّ الأصحاب و ما فیہ من الإثم والعقاب**، قاهره: دارالفاروق للاستشارات الثقافیة، چاپ اول، ۲۰۰۹م.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، **ترجمه قرآن**، قم: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.
۴۲. موسوی بجنوردی، کاظم، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۴۳. موسوی، عبدالحسین (سید شرف‌الدین)، **الفصول المهمة فی تألیف الأمة**، تهران: قسم الإعلام الخارجی لمؤسسة البعثة، چاپ اول، بی‌تا.
۴۴. نسائی، أحمد، **السنن الکبری**، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری؛ سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۴۵. نسائی، أحمد، **فضائل الصحابة**، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
۴۶. نسفی، عبدالله، **مدارك التنزیل و حقایق التاویل**، بیروت: دار النفاثس، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۴۷. نصر اصفهانی، اباذر (به سفارش کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام)، **کتاب‌شناسی تکفیر**، قم: دارالإعلام لمدرسة أهل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
۴۸. هیثمی، علی، **مجمع الزوائد و منبع الفوائد**، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.